

# سیری در نخستین

روزنامه های ایران

دکتر اسمعیل رضوانی

در شماره های گذشته مجله  
سودمند و گرانبهای بررسی های  
تاریخی روزنامه های مهم کشور  
اعم از دولتی و ملی چه آنهاییکه  
در ایران و چه در خارج از ایران  
منتشر می شدند تا آغاز انقلاب  
مشروطیت بطور بسیار مختصر  
بررسی شد و اگر سلسله  
مقالات مذکور چنانکه باید و  
شاید حاوی نکات سودمندی  
نبود باری از روزنامه ها  
تصویری ارائه داده شد و همین  
نکته کافی است که رنج نگارنده  
ضایع نماند. زیرا تردیدی  
نیست که باد حادثه اوراق این  
روزنامه ها را پرپر کرده و  
نابود ساخته است و آنچه هم  
از بد حادثه مصون مانده است

هر چند صفحه ای از گوشه ای است که دست همه کس به آنها نمی رسد بنابراین سلسله مقالات لاقل هیئت و شکل و ریخت روزنامه های از میان رفته را جاویدان ساخت که هر چه زمان بگذرد اهمیت آن فزونی خواهد گرفت ولذا باردیگر از اولیاء مجله که مخارج تهیه گراورها را با کشاده روئی تحمل می کنند، سیاسکزاری می کند .

گذشته از این کدام کار در همان ابتدا بی نقص و بطور کامل انجام شده که این کار پراز رنج در مرحله کمال عرضه شود.

نکته ای که تذکر آن لازم است این است که انجام اینگونه امور و جمع آوری اینگونه مطالب از عهده يك نفر یا چند نفر ساخته نیست. در این موارد باید کلیه خوانندگان و علاقمندان کمک نمایند و اطلاعات خود را به اولیاء مجله ارائه فرمایند تا از مجموعه آگاهیهها مطلبی کامل تهیه شود و گوشه ای از تاریخ این کشور که نسل روشن گردد و هدف نیز همین است .

باری ، نگارنده بابررسی روزنامه های قبل از مشروطیت کار خود را پایان یافته تلقی کرد و تصمیم نداشت مطلب را دنبال کند زیرا تعداد روزنامه هائی که تا زمان انقلاب انتشار یافته محدود است و بررسی آنها کار ساده ای است ولی مقارن همان ایامی که طلیمه انقلاب نمایان شد روزنامه های متعدد و جور واجور پشت سرهم نمایان گردید بطوری که در بحبوحه انقلاب یعنی در سال ۱۳۲۵ هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) لاقل هشتاد و چهار روزنامه منتشر میشد. علاوه بر روزنامه، شب نامه ، صبح نامه و بیدار نامه از درو دیوار فرومی ریخت رساله های تبلیغاتی چند صفحه ای یکی بعد از دیگری به دست مردم داده می شد و دامنه تبلیغات مطبوعاتی چنان توسعه یافت که با بی پروائی میتوان گفت ، مردم آن زمان در اوراق مطبوعات غرق شدند.

مرحوم مخبر السلطنه هدایت در کتاب گزارش ایران گوید :

« عدد روزنامه ها از حد حاجت بیرون رفت اسامی مهیب بخود می گرفتند. روزنامه حشرات الارض هم داشتیم. اکثر بهر کس استطاعتی داشت بدمی گفتند تاحق سکوتی بگیرند . بروزنامه قناعت نشد شب نامه از در و دیوار فرو

می ریخت. سر لوحه شب نامه خنجر، طیآنچه، کار دو نیزه بود<sup>۱</sup> پس از آنکه انقلاب وسیله محمد علی شاه در هم کوبیده شد روزنامه‌ها نیز بالطبع از میان رفت و پس از استبداد صغیر دوباره پیدا شد. در سال ۱۳۲۸ تعداد روزنامه‌ها لا اقل به سی و شش رسیده است. این است که نگارنده از وسعت دامنه کار وحشت داشت و مایل بود بهمان مختصر اکتفا کند اما تشویق دوستان و اولیاء ارجمند مجله به من نیروئی بخشید و مرا وادار ساخت که موضوع را دنبال کنم ولو دنباله‌ای بس دراز داشته باشد از این جهت بدون اینکه رعایت تقدم و تأخر شود به بررسی روزنامه‌های مهم عصر بخصوص روزنامه‌هاییکه دوره آن را در تصرف دارد، می پردازد.

بدون شك گرانبها ترین روزنامه دوره انقلاب روزنامه مجلس است زیرا قسمت عمده مطالب این روزنامه مذاکرات مجلس می باشد و اگر این روزنامه نبود ما از مذاکراتی که در مجلس اول شورایملی بین نمایندگان صورت گرفته است بکلی بی اطلاع می ماندیم زیرا چنانکه می دانیم پس از بتوپ بستن مجلس اول کلیه اسباب و اثاثیه و تمام اسناد و مدارک آن بیغما رفت. چیزی که مایه تأسف است این است که این مذاکرات از روز پنجشنبه پنجم شوال ۱۳۲۴ درج شده زیرا نخستین شماره روزنامه در یکشنبه ۸ شوال ۱۳۲۴ هجری قمری و ۱۲۸۵ شمسی مطابق ۲۵ نوامبر ۱۹۰۶ انتشار یافته و بنابراین از روز افتتاح مجلس (۱۸ شعبان ۱۳۲۴) تا ۵ شوال که قریب به ۴۷ روز میشود از مذاکرات نمایندگان که برای تاریخ مشروطیت ایران فوق العاده مهم است بی اطلاعیم و برای گردآوری مذاکرات روزهای نخست مجلس ناچار باید تمام روزنامه‌ها و سایر انتشارات آن عهد را مطالعه کنیم و اگر هم اینکار انجام شود و باید هم انجام گیرد، باز هم نخواهیم توانست بطور کامل مذاکرات ۴۵ روزه را جمع آوری نمائیم.

اداره سرکاری

طهران خیابان حایل آباد

مدیر کل

میرزا محمد صادق فرزند

حضرت حجة الاسلام آقای امیرزا

سید محمد طباطبائی

دیر اداره ادب الممالک

حکایت بدون امضا و تهرقه کافی و غیر است قبول نمیشود

عنوان رسالتهای

اداره روزنامه مجلس طهران

عنوان لکرائی

چهره مجلس

نمونه نهدون . . . .

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس

۱۳۲۴

فلا هته چهار نوبت ایام هته  
شبه و کتبه و سه شبه و پنجشنبه  
طنیع و توزیع و پس از سه ماه  
بطور یومیه منتشر خواهد شد

قیمت اشتراک

طهران ولایات داخله ایران	۳ ماه	۳ ماه	۳ ماه
طهران	۱۴ قران	۱۷ قران	۱۸ قران
طهران	۶ ماه	۶ ماه	۶ ماه
طهران	۲۶ قران	۳ تومان	۱۴ قران
طهران	۱ ساله	۱ ساله	۱ ساله
طهران	۴۵ قران	۵۵ قران	۲۶ قران

طهران

قیمت یک نسخه سه شاهی است

قیمت اعلانات مطبوعه در صورت

تکرار تخفیف داده میشود

وجه اشتراک پس از ارسال پنج نسخه

مطالبه و دریافت میشود

پایان یکشنبه هفتم شوال الکریم ۱۳۲۴ هجری قمری و ۱۲۸۵ هجری شمسی مطابق بیست و پنجم و بیست و ششم از ماه قمری و انگلیسی و ۱۳ تویار روسی ۱۹۰۶ و سیزدهم از ماه ۱۳۲۶ زردگرسی و کترین الاخر ۲۲۱۸ روسی و ۹ از ماه ۸۷۸ جلالی

این روزنامه یکی مطلق و آزاد است و در مباحث و مذاکرات و مشروعات مجلس شورای ملی ایران و کلیه امور پلتیکی و تجارقی و اجتماعی و آنچه راجع باصلاحات ملکی و امور ملی و مربوط بخیرات عامه و عواید نوعیه و دایره حقوق عامه اصلاحیه و اجرا احکام اسلام و مدافعه حدود وطن باشد باکمال آزادی سخن میراند مذاکرات یومیه دارالشورای کبری و لوائح و مقالات و آراء و افکار ملت را در مواد مذکوره باخصوص ممتنر خواهد نمود

بمحمد سالمه الله که علاوه بر جنبه مراتب مراقبه از خواسته بزرگ محترم و مقبول عموم ملت و عمل کمال اعتماد دولت و برآیند دولتیخواهی و وطن دوستی متحلی و بلوغیات عصر جدید بصیر و مطلع هستند مرحمت و بهمه کفایت و دوستی ایشان را گذار و این امتیاز بزرگ را با ائتان عنایت فرمودیم تا مجلسی از فی غرضان خیر و دولتخواهان بصیر تأسیس و تشکیل نموده باکمال دولتیخواهی و نهایت دقت و مراقبت این امر مهم را عاجلا بحسن ترتیب قرین انجام دارند (شبان ۱۳۲۴)

(مقدمه)

بسم الله الرحمن الرحيم

بموجب دستخط مبارک هیات مندرجه فوق قلم این روزنامه یکی آزاد و مطلق است و در مشروعات و مباحث و مذاکرات مجلس شورای ملی و کلیه امور پلتیکی و تجارقی و اجتماعی و آنچه راجع باصلاحات ملکی و امور ملی و



سواد دستخط مبارک همیونی

جناب اشرف صدر اعظم چون روزنامه موسوم به مجلس که اجازه طبع آن داده شده است اول روزنامه است که در هر کوبه مقالات مفیده راجع بخیر عامه و مصالح امور مملکتیه و طلب و حفظ شرائط دولتیخواهی با آزادی قلم مخصوص و ممتاز خواهد بود و لازم است در تحت نظر و سوادید شخصه باشد که طابع اطلاعات علمیه شرعیه و سیاسی و درستی و دیانت او کمالاً معلوم و مشهور باشد لهذا بموجب این دستخط مبارک جرئی و کلی این امر مهم را از انتخاب اعضا و تعیین وقایع نگاران و کلیت طبع و نشر و غیره بحضرت امیرزا حسن

مذاکرات مجلس اول تا کنون دو بار انتشار یافته ، یکبار در سال ۱۳۲۵ شمسی در شماره های « روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران » و بار دیگر در ردیف انتشارات « کتاب کیهان » در سال ۱۳۳۵ شمسی وسیله کتابفروشی ابن سینا و بطوری که خوانندگان مطلع می دانند مذاکرات روزهای اولیه یانست یا فوق العاده ناقص است .

بهر حال ، با نگاهی به تصویر نخستین شماره روزنامه مجلس تمام مشخصات آن روشن میشود و بنابراین از تکرار مطالبی که در تصویر نشان داده میشود صرف نظر می کنیم و به بحث در اطراف روزنامه می پردازیم ، همانطوری که ملاحظه میشود روزنامه هفته ای چهار نوبت روزهای شنبه ، یکشنبه ، سه شنبه و پنجشنبه در چهار صفحه منتشر می شده است ولی از شماره ۶۸ ببعد تمام روزهای هفته به استثنای جمعه انتشار می یافته است و انتشار آن تا روز به توپ بستن مجلس ادامه داشته است . مدیر کل و دبیر آن هر دو از شخصیت های بزرگ شناخته ای هستند و بیان شرح حال آندو یعنی مرحومان سید محمد صادق طباطبائی و ادیب الممالک فراهانی زاید بنظر می رسد . بطوری که از « سواد دستخط مبارک همیونی ، مستفاد میشود صاحب امتیاز روزنامه آقا میرزا محسن صدرالعلما بوده است .

در نخستین شماره تحت عنوان مقدمه هدف از انتشار روزنامه چنین بیان شده است :

« ... قلم این روزنامه بکلی آزاد و مطلق است و در مشروعات و مباحث و مذاکرات مجلس شورایی و کلیه امور پلتیکی و تجارتي و اجتماعی و آنچه راجع به اصلاحات ملکی و امور ملی و مربوط بفوائد و عوائد عامه و دائر بحقوق وطنیه و مدافعه حدود عالم اسلامیت باشد با کمال آزادی سخن خواهد راند . وظیفه مهم این روزنامه نشر اخبار یومیه و مذاکرات و کلای دارالشورای کبری ایران و احکام صادره از مجلس و گفتگو در مباحث پلتیکی است اخبار ولایات و وقایع شهری و اخبار مخصوص تجارتي و آنچه راجع باسعار عمومی است کسب و درج میشود . تلگرافات و اخبار خارجه و آنچه از اخبار جراید معتبره اروپا مربوط به مجری و مسلک پلتیک مملکت و دائر با امور

داخله باشد ترجمه و نقل میشود. اخبار علمی، ادبی و اقتصادی و صنعتی و صحنی و تاریخی و سایر مقالات مفیده برحسب اهمیت و اقتضاء وقت نقل و درج خواهد شد اخبار فوریه بوسیلهٔ سیم تلفون مخصوص اداره و تلگراف کسب و درج میشود و چون این روزنامه واسطهٔ مستقیم ایصال لوايح و عرایض ملت به دارالشورای کبری و ادارات سنیه دولت علیه است آراء و افکار و کلیه مقالات و مکاتیب در باره مشروعات مجلس شورایملی و اصلاحات مملکتی و مقاصد نوعی را مادامیکه منبئی بر اغراض شخصیه و موجب هتک ناموس و شرف اشخاص نباشد با کمال امتنان قبول و درج خواهد نمود. بنا بر این بر صاحبان مکاتیب لازم است که مکتوب خود را با امضاء و تعرفه کافیه ارسال نمایند و لذا مکاتیب بی امضاء یا مبهم و مقالاتیکه منبئی بر اغراض بوده باشد پذیرفته و قبول نمی‌شود. برای اینکه از تملقات بی جا احتراز نموده و الفاظ مغلطهٔ مبهمه جای معانی مهمه و مطالب مفیده را نگیرد و از مقصود اصلی خود و موضوع روزنامه نویسی تخطی نرفته و دور نرفته باشیم کلیه در عناوین و القاب به اختصار و ایجاز خواهیم پرداخت. این روزنامه در تهران و سایر بلدان ایران و کلیه مواقع و موارد مهمه دارای اخبار نویس و وقایع نگاران مخصوص خواهد بود و تمام وقایع کتبی و تلگرافی و اخبار رسمی و غیر رسمی را کسب و کشف و بدون ملاحظه اشخاص انتشار خواهد داد و برحسب اقتضای وسعت اداره در موارد لزوم در پایتختها و بلاد عمده ممالک عالم اخبار نویس تعیین خواهد نمود. روزنامهٔ مجلس تا سه ماه از تاریخ افتتاح هفته‌ای چهار نمره به ترتیب ایام انعقاد مجلس توزیع و نشر می‌شود و پس از سه ماه به استثنای روزهای جمعه و ایام محترمه که تعطیل عمومی است همه روزه منتشر خواهد شد و چون فعلا کاغذهای ورق بزرگ که مناسب جراید یومیه است بقدر کفاف واسع و رفع احتیاج بدست نمی‌آید در طبع روزنامه در اوراق معمولی شروع و اقدام میشود. اداره کاغذ مخصوصی با قطع بزرگ از کارخانه‌های کاغذ سازی فرنگ طلب کرده پس از ورود انشاء الله تعالی با آن اوراق منتشر خواهد شد . . . .»

در اکثر شماره‌های این روزنامه بجای سرمقاله مذاکرات مجلس درج می‌شده آنگاه اخبار داخله و در بعضی از شماره‌ها اخبار خارجه نگاشته شده است. در ضمن اخبار خارجه مطالب روزنامه‌های اروپا در باب اخبار مربوط بمشروطیت ایران ترجمه و درج میگردیده است این روزنامه برای تدوین تاریخ مشروطیت ایران گنجینه گرانبهایی است که هر کس بدون در دست داشتن آن دست بتدوین تاریخ مشروطیت بزند کار ناقصی انجام داده است.

روزنامه صوراسرافیل - کوبنده‌ترین و مشهورترین و پربصدا ترین روزنامه عهد انقلاب روزنامه صوراسرافیل است نخستین شماره آن روز پنجشنبه هفدهم ربیع - الاخر سال ۱۳۲۵ هجری قمری (۳۰ ماه ۱۹۰۷) انتشار یافته و تا شنبه ۲۰ جمادی - الاول ۱۳۲۶ انتشار آن ادامه داشته است مجموعاً سی و دو شماره منتشر شده است مدیر آن میرزا جهانگیر خان شیرازی و میرزا قاسم خان تبریزی بوده است.

میرزا جهانگیر خان بشرحی که در تمام تاریخهای مشروطیت بتفصیل درج است در واقعه توپ بستن بمجلس بفرمان محمدعلیشاه کشته شد ولی میرزا قاسم خان جان بدر برد و از آن پس نام خانوادگی صوراسرافیل را برای خود برگزید و در شاهنشاهی رضا شاه کبیر بمقامات بلند اداری از قبیل وزارت، استانداری و ریاست شهرداری تهران رسید.

روزنامه صوراسرافیل بقدری مورد علاقه خاص و عام قرار گرفته بود که بقول صاحب تاریخ جراید و مجلات ایران «روزنامه که صبح به قیمت چهارشاهی منتشر می‌شد عصر به چند تومان خرید و فروش می‌گردید»<sup>۱</sup>

یکی از عوامل محبوبیت روزنامه و ابراز علاقه شدید مردم به آن مقالاتی بود که تحت عنوان «چرند پرنده» بقلم مزاح و شوخی و استهزاء وسیله مرحوم دهخدا نگارش مییافت.

از چرند پرندهای دهخدا نمونه‌هایی بعنوان یکی از بهترین قطعات نثر پارسی در سلسله کتبی که باین منظور تدوین شده و نیز در کتب ادب و تاریخ کراراً به چاپ رسیده است و بطور مجزی و مستقل نیز چاپ شده است ولی چاپ چرند پرندها وقتی ارزش خواهد داشت و لطف آن هنگامی آشکار خواهد شد



# صورت اسرافیل

سوره عنان مرآتات  
 روزگار جهان کجور حال بیخیزد  
 روزگار عالم خفتن در بری  
 طهران خندان عصری آنجا کار است که  
 صورت ۲۶ نام بیخ آنست ۱۳۲۵ هجری  
 ۱۱ آید و سال ۱۳۲۶ از دگر نویسی  
 ۶ ماه و روز ۱۹۰۰ میلادی

فادانج فی الصور فلا انساب یسئلون  
 حکمی سینه نوح اخلاقی اهل انوار می  
 کاروان و سبک بافت لب لبابا خیر من  
 مینود و مینوع و عدم طبع افکاره ستار  
 است و کشتهی چون به قبول  
 خواهد شد

سوره عنان مرآتات  
 طهران نوآموزده (۱۶۲) تهران  
 سینه یلاداران هفتده (۱۱۷) تهران  
 ششک طرحه دو (۷) تهران  
 کتبت مفسره  
 طهران چهار (۴) تهران  
 سایر بلاد ایران پنج (۵) تهران

هند و قفقاز ایران جنوبی گویند فلان استرقی  
 در این امر مردود است و نه آنکه گویی خودت بر من  
 و آنکه فلان طایفه ایست از او و حق طایفه میماند  
 فلان طوار با طایفه حقوق استیلا می دهد  
 حکامی ماضی گویند که طبیعی گاهی بواسطه  
 کار با ذات بشری می شود من و کوم که گاهی بواسطه  
 ملامت بر او می رسد من است ملامت امر طبیعی است  
 و باید  
 در هیئت وجود و اول الامر تمام کتابت  
 خود را عمل می کند و هم از احتیاجات خود صرف نظر  
 می کند و در موهبهای استغنی بوقوع است قانون نامعلوم  
 که از روز اول امری کند اما اینست مراد بدینست  
 برای بر این است که اشکاف و استغنی بوقوع است  
 مصلحت و در این جزئیات از استیلا از استیلا از استیلا  
 بالان محمد آنچه بعد و این استیلا استیلا

سوره  
 برای اینکه کلمه یادگار عقابانی بل پیر و پیران را  
 بر کرد . برای اینکه فلان شاهزاده خاص منگو بدست  
 چه داخل آدم است . برای اینکه . پیران و پیران  
 چه فرمان شاه از استیلا بر روی است . پیران و پیران  
 سید محمد محمد . پیران و پیران و پیران و پیران  
 قدسی است و بی اطاعتی خود خود . پیران و پیران  
 حاکم رعیت را کور در به بیرون حساب می کند . پیران و پیران  
 از که ملت بر رویه افغان کور کوزانه آن . پیران و پیران  
 کردار . پیران و پیران و پیران و پیران  
 آید که در مشهورانند . پیران و پیران  
 درودگار . پیران و پیران و پیران و پیران  
 پیران و پیران و پیران و پیران  
 یکی از که سینه است . پیران و پیران  
 یکی از که سینه است . پیران و پیران



که در مقدمه هریک از آنها اوضاع و احوال روز و عوامل الهام بخش نویسنده نگارش یابد تا لطف آن دوچندان گردد.

با مطالعه روزنامه صور اسرافیل بخوبی میتوان اوضاع اجتماعی آن روز و نحوه تفکر مردم را نسبت به انقلاب و اندازه اطلاعات نویسندگان آنرا نسبت به ماهیت مشروطیت دریافت و بنابراین جزء اسناد گرانبهای تاریخ مشروطیت محسوب میشود. گذشته از این در بعضی از شماره‌های آن مطالبی است که جزء اسناد تاریخ بشمار می‌آید از جمله صورت استنطاقی است که از اسداله نامی که مأمور کشتن چهار نفر از وکلای انجمن تبریز بوده بعمل آمده و در شماره ۲ درج شده است و نامه‌ای از مرحوم سید جمال واعظ در شماره ۷ و ۸ و صورت استنطاق میرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین شاه در شماره ۹ و ۱۰ و پسر میرزا رضا (میرزا تقی) در شماره ۱۱ و دوستان و آشنایان او در شماره‌های ۱۷ و ۱۳.

اینک برای اینکه بسبب نگارش روزنامه واقف شویم قسمتی از سرمقاله شماره ۲۳ روزنامه نقل میشود:

«ترقی مملکت بسته بکثرت کار و کثرت کار منوط بتسهیل طرق آن است. گذشته از اوامر انبیا، اصرار حکما و استحضانات شعرا بهمان دلیل واضح که اگر امروز تمام اهل این مملکت یکدفعه دست از کار بکشند مملکت خراب خواهد شد بهمان دلیل هم هر چه بر کار افزوده شود بر آبادی مملکت خواهد افزود.

نعمت بی تحمل زحمت، و آسایش بی سعی، موافق نظام مشهود این دنیا محال است.

در زیر همان لقمه‌های چرب و شیرین فلان امیر، فلان وزیر، و فلان مجتهد هم که تحصیلش بی زحمت متصور میشود باز عرقهای گرم رنج برو آههای سرد کار کردن بتیرگی ابرهای طوفانی و ظلمت شبهای دیجور دیده میشود.

کار منبع ثروت، منشأ لذایذ، اولین اصل اصیل انقلابی و کلید همه سعادات دنیا و آخرت است.

امروز تمام دول متمدن عالم بایک شتاب و عجله نگفتنی در تکثیر و ازدیاد کار روز و شب میکوشند. اتنازونی اراضی را مجاناً بر عیایا و گذار میکنند برای ازدیاد کار انگلیس قانون تابعیت را تسهیل مینماید برای ازدیاد کار در روسیه مقصرین را به سیبر میفرستند و دوما بتقسیم اراضی خالصه و کلیسا میان رعیت رأی میدهد. برای ازدیاد کار همه دول باهم اتحاد پستی تلگرافی و حفظ صحه میکنند، برای ازدیاد کار کلیه حکمای ملل در تقلیل مالیات سعی مینمایند برای ازدیاد کار.

بهترین مقیاس برای بدست آوردن اندازه غنا و فقر، سعادت و ذلت، قدرت و ضعف هر مملکت همان تعیین اندازه کثرت و قلت کار است. اینکه نوع انسان خود را به صفت مدنیت ممتاز کرده و هیئت و جمعیت‌های بشری تشکیل داده فقط محض کار است.

آیا برای تمتع از این میوه بهشتی و علت غائی مدنیت و تکثیر و ازدیاد آن چه باید کرد؟ باید پیش از هر کار در تسهیل طرق آن سعی نمود. وسیله تسهیل طرق کار جلوه دادن احترام کار در انظار عامه است. می گویند در امریکا احترام یکنفر بنای ماهر کمتر از یک لورد نیست همینطور است، لیکن حالاماً بواسطه نداشتن راه آهن از امریکا فرسخها دوریم. برای ما در جلوه دادن احترام کار فقط مطمئن کردن کارگر از تمتع زحمات خود کافی است... امروز بهر درجه که ما بتوانیم از حقوق اربابی و منافع صاحبان سرمایه و مالیات بی‌نظم و ترتیب دولت کسر کرده و بر عایدی رعایا و کارگران بیفزائیم بهمان درجه هم در احترام کار کوشیده و بر ازدیاد طبقه کارگر سعی کرده ایم...

چرند پرندهای دهخدا که در آغاز مطلب از آن یاد شد سراسر کنایه به شخصیت‌های سیاسی و رجال عصر است و چنان نیش دار و درعین چنان لطیف است که مزیدی بر آن متصور نیست. این چرند پرندها در زبان فارسی جاودانی خواهد ماند زیرا گذشته از لطافت خاص دور نمای واقعی اوضاع اجتماعی آن زمان را بخوبی مجسم می‌سازد.

اداره مرکزی

دارالتاسلحه تبریز خیابان مجیدیه  
عنوان

مراسلات و نوشته‌ها با نام مدیر محترم  
خان مدینه نوشته میشود.

(عنوان لکرات)

(جزیده انجمن)

(مختل توزیع)



# ازجمن

(تبریز ۱۳۰۵)

میرزا یاقوب خان ایران (قران)

ولایات روسیه (مناصم)

ولایات عثمانیه (میرزا)

ولایات اردلان (قران)

مفتی کتک

(تبریز و غیره) ولایات اقله شاه

دکان افامیر محمد سکا رفروش است (مفسد بار و بعضی وقتها) قیمت اعمالناطری با نوزده شاه  
دوازده شنبه (۲۷) ربیع الثانی ۱۳۰۵ (چهار بار طبع و توزیع میشود) در صورت تکرار تخفیف داده میشود.

جزیده ایستادار بنسبناطری تبریزه اگر از اعضا اینجمله مقالات بگذرد و سود مند را درج بنماید  
مقالات و مکتوبات نظریه اعضا و معارف قبول میشود شایسته اینجمله مطالبی مندرجا با الفاظ سهل و  
ساده نوشته خواهد شد که موجب اشباع عموم گردد (وجه اشتراک بعد از ارسال ده فخر دریافت شود)

## (فکر)

در مدافعه و ترخورد بوده با خونهای پاک

کوچه‌ها را رنگین و با اصداد مبارکشان مطاب  
را بر میشدین تنگ و لاله زار مینامیدند تا این  
مشروع مقدس را بنامه رسانده با اصداد

فانون اساسی و اجرای عدالت تکمیل مواضع  
را حمایت با وجودیکه بعد از شهدای اذربایجان

اصناف شهدای طهران است بلکه چنانچه در  
عوقی عرض شده الساجون الشایقون نسبت

بنامین همان شهدای مدحیه است اگر  
شرعی از حالت حالیه ولایت ماکو و مثل و

تاریت اسامان عرصه دارم دلها خون  
گردد و از مقصود اصله که عرض فکرات است از

برادران عزیز که در مشوره رجیم خان و فرزندان  
شورش فرموده اند با زمینانیم ابراست عطا

ظلم را از شرح حکایت جاسوز ماکو عطف  
نموده از صمیم قلب از جانب تمام اهالی اذربایجان

شکرات خالصانه تقدیم نموده فخر و ندمیه  
بر شهداء طهران و اذربایجان و احوال طهران

عزیز و آگاه داشته بدرگاه احدیت عرضه میدانم  
درینا عرض علینا صبرا و نیت اقداسنا و انصرنا

مشکله و عدالت و تریه وطن که مشتبه با مستبدین

(افضل الشیخ) عموم از انبیا خاصه اهالی  
ادریجات را درجه است که ها و پیش قدمی

اهالی را از اخلاد طهارت و صفت عبودانه ایشان  
را در این امر مقدس متذکر بوده و از نمایندگی

حضرت مستطاب آقای اقا سید محمد اقا و آقای  
اقا سید عبدالله و سایر اقایان عظام سلام

الله تعالی متذکر گردیدیم هیئت رحمان و تقدیم  
ایشان و شهدای اسامان را متذکر فرموده

با اختلاف و اعتقادمان تومیه کرده و برای تشجیح  
ایشان با ذکر تاریخ بگذاریم اهالی عبودانه

اگر چه چند صباح و قدیم عقب مانده تا جبرود  
جنس نمودند ولی فالوابع دیر آمدند لیکر حق

آمدند و حرکت عرصه اندان کرده و عینا ذکر را  
بطور آغلی تعاقب نموده (درینا لا تواخذنا کونک

کو از غیر فاراد شده قربانهای تیسرا از جوانان  
دینا و پیمان دانا و امثال خارج از حد حصر

در قریه و افع و سایر نقاط فداده و با لفظ  
هم در سرحد ماکو از همان و ممالک در راه اجرا

مشکله و عدالت و تریه وطن که مشتبه با مستبدین

در میان چرند یرندها تنها یکی تحت عنوان «قندرون» در شماره های ۲۷ و ۲۸ روزنامه موجود است که با کمال تأسف به انتها نرسیده و بدون اینکه دارای کنایه و نیش به افراد شناخته و معینی باشد گوشه ای از اوضاع اجتماعی آن زمان را روشن می کند و ملاحظت و لطف آن کمتر از قطعات اولی مرحوم صادق هدایت، آقای جمال زاده و سایر نویسندگان برجسته نیست.

نکته ای که در پایان محتاج به یسار آوری است این است که پس از کودتای محمد علی شاه و قوچ بستن مجلس و کشته شدن میرزا جهانگیرخان مرحوم دهخدا بازحمات بسیار از ایران گریخت و به کشور سوئیس رفت و در آنجا در شهر ایورون دنباله روزنامه صوراسرافیل را گرفت و چهار شماره منتشر کرد که متأسفانه شماره های آن فوق العاده نایاب است.

انجمن این روزنامه از طرف انجمن ملی تبریز منتشر شده است و نخستین روزنامه ایست که پس از صدور فرمان مشروطیت در تبریز انتشار یافته است در آغاز اسم آن «روزنامه ملی» بوده و بعد ها نام «انجمن» بر آن نهاده شده است. «مدیریت روزنامه بعهده دو نفر آقایان سیدعلی اکبر از خانواده و کیلی و غنی زاده معروف بوده است»<sup>۱</sup>

سایر مشخصات از تصویر شماره ۹۷ روزنامه بخوبی آشکار میشود این روزنامه بیشتر اختصاص به نشر مذاکرات انجمن تبریز داشته و در عین حال مقالاتی که برای پیشرفت مشروطیت و وصول به هدف مشروطه خواهان مفید بوده است چاپ میشد.

مهمترین مطالب آن تلگرافاتی است طولانی و مفصل که بین و کسلاهی آذربایجان در تهران و نمایندگان انجمن مبادله میشده است این روزنامه در چهار صفحه منتشر میشده، آغاز انتشار آن ماه رجب سال ۱۳۲۵ هجری قمری بوده است اهمیت این روزنامه نیز از لحاظ سندیت برای تاریخ مشروطیت کمتر از روزنامه صوراسرافیل نیست و متأسفانه شماره های آن نیز از سایر روزنامه های آن زمان بمراتب نایاب تر است و نگارنده طی سالها کوشش هنوز دوره کامل آنرا نتوانسته است فراهم آورد.